

بازتاب هویت‌های جنسیتی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی آموزش ابتدایی و دوره راهنمایی تحصیلی

دکتر داور شیخاوندی*

چکیده

کتاب‌های درسی آئینه تمام‌نمای سیاست‌های ایدئولوژیکی، فرهنگی، سیاسی، دینی، و... است. یکی از اساسی‌ترین رسالت‌های آموزش و پرورش هر کشور، القاء و تنفیذ هویت ملی در جریان تربیت است. در این راستا، کتاب‌های درسی نقش تعیین‌کننده‌ای در تکوین و تنفیذ هویت‌های جمعی، جنسیتی، گروهی و قومی ایفا می‌کنند. در این مقاله کتاب‌های درسی جغرافیا، تاریخ و تعلیمات اجتماعی در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی، در مجموعه ۸ کتاب درسی، بررسی شده است. نتایج نشان داد تنها در کتاب تعلیمات اجتماعی سال اول راهنمایی تا حدی آگاهانه تعادلی در تکوین هویت جنسیتی

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی ایران واحد تهران شمال و مدیر تحصیلات تکمیلی

دختر و پسر برقرار شده است. در کتاب‌های دوم و سوم راهنمایی، هویت جنسیتی دختران کم‌رنگ شده است.

کلید واژه‌ها: کتاب درسی؛ تعلیمات اجتماعی؛ هویت جنسیتی؛ آموزش ابتدایی؛ دوره راهنمایی تحصیلی

Archive of SID

مقدمه

کتاب‌های درسی آئینه‌ی تمام‌نمای سیاست‌های ایدئولوژیکی، فرهنگی، دینی، سیاسی، اجتماعی (خانوادگی، شبکه خویشاوندی، ایلی - قومی)، جامعه‌ی (حوزه‌ی عمومی) و جامعه‌ی حوزه دولت - ملت و حوزه‌های کلان دینی، (زبانی و نژادی) است. در جوامع مبتنی بر خودکامگی حزبی، دینی، نظامی و شخصیتی، گرایش‌های فردپرستی، شخصیت‌ستایی و القا و تنفیذ زورمندانه‌ی ایدئولوژیک حزبی - دینی در کتاب‌های درسی نظری، مانند ادبیات، تعلیمات مدنی، تاریخ و حتی جغرافیا انعکاس می‌یابند، تعاون و همبستگی اجباری، بدون توجه به تنوعات و تکثرات فرهنگی، اعتقادات و باورهای قومی، بومی، گروهی و فردی بر همگان، اعم از زن و مرد، تحمیل شده است و حتی تفاوت‌های جنسیتی، سنی، شغلی نیز نادیده گرفته می‌شوند.

«دموکراسی» یا مردم‌سالاری، امروزه، در تقابل با خودکامگی قرار دارد. در نظام دموکراتیک فرض بر این است که قدرت از تبلور انتزاعی اراده‌ی آحاد ملت تجلی می‌یابد. در چنین نظامی، آموزش و پرورش و به ویژه آموزش متوسطه و عالی، عنصر تعیین‌کننده‌ای در اجرا و تداوم آن به حساب می‌آید. مردم‌سالاری جامع و همه‌جانبه تنها به فراخوانی و بسیج زنان و مردان جهت انتخاب رئیس‌جمهور یا گروه‌هایی از نمایندگان وابسته به احزاب و تشکل‌ها بسنده نمی‌کند، بلکه با مشارکت و حضور فعال آحاد ملت در انواع ابعاد تصمیم‌گیری و مدیریت امور عامه و نظارت بر اعمال دولت‌ورزان و حساب خواهی از نمایندگان خود در ضمن انجام وظیفه قانون‌گذاری مبتنی است... برای تکوین، اجرا و تداوم دموکراسی باید مردم، دولت را از خود و خود را از دولت پندارند. تصادفی نیست که امروزه به جای «دولت»^۱ صرف، «دولت

1- State

- ملت^۱ را ترجیح می‌دهند. این اصطلاح از بار اقتداری و قانونیت شایانی برخوردار است، بدین معنا که دولت همانند خود ملت است و ملت گویی که خود دولت است. واژه «National» در زبان‌های لاتین و آلمانی - انگلیسی معادل با «کشوری» و «دولتی» است؛ به طوری که در زبان فرانسه «Education Nationale» یعنی «آموزش و پرورش دولتی» و «Police Nationale» یعنی «پلیس دولت مرکزی» یا «پلیس کشوری» که از «Police Municipale» پلیس شهری یا شهرداری، متفاوت است.

از ویژگی دموکراسی برابری افراد و اقوام ملت، اعم از زن و مرد، در قبال قانون است. آحاد بالغ عضو ملت، بدون توجه به اعتقاد، اشتغال، درجه تحصیلی و تعلق به گروه‌ها، اقوام و ادیان، از هویت، حقوق و وظیفه‌ی ملی مساوی برخوردار هستند. این برابری احساس تعلق عمیق افراد بالغ ملت را نه تنها به دولت و ملت، بلکه بر سایر افراد کشور سبب ساز می‌شود و بنیان وفاق، همدلی و هم آرمانی ملی را در سطح کلان جامعه استوار می‌گرداند.

هویت ملی یک هویت انتزاعی سیاسی - فرهنگی است که برخلاف هویت‌های خونی، خاکی، فرهنگی و کاری در سطح خرد جنبه‌ی ذهنی و نمادین آن بیش‌تر از جنبه‌های عینی ملموس و محسوس آن است.

یکی از اساسی‌ترین رسالت‌های آموزش و پرورش کشور، القا و تنفیذ هویت ملی در جریان تربیت است؛ بدون این که مانعی برای رشد و بالیدگی هویت فردی، گروهی، منطقه‌ای و قومی (دینی، فرهنگی یا هر دو) باشد. برابری و تساوی در مقابل قانون و بهره‌مندی از حقوق ملی در قبال وظایف کشوری شرط لازم وفاق ملی است و گرنه باید به جای وفاق در انتظار نفاق و ناسازگاری بین افراد زن و مرد، و اقوام با دولت تبعیض‌گر باشیم.

1- Nation State

کودک در جریان تربیت در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی است که نخستین مفاهیم مربوط به هویت جنسیتی قومی - ملی را می‌آموزد و رابطه عاطفی - خردمندانه «خود» را با دیگران درونی می‌سازد؛ «من» جنسیتی را به «ما»ی خانوادگی و به تدریج به «ما»ی جنسیتی، قومی و ملی - دینی و در نهایت به «ما»ی جهانی اعتلا می‌بخشد.

در این راستا، علاوه بر رسانه‌ها و «شناسنامه» فردی، کتاب‌های درسی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در تکوین و تنفیذ هویت‌های جمعی، جنسیتی، گروهی، قومی و ملی - دینی، با بار سرمایه‌ی فرهنگی، ایفا می‌کنند. همانند تغذیه جسمی، مردم نسبت به تغذیه معنوی ذهنی فرزندان خود نیز باید حساس باشند و در این امر انسان‌پروری مشارکت فعالی به عهده بگیرند. تدوین کتاب‌هایی به قصد تعلیم چنان مفاهیمی و تکوین سرمایه‌های اجتماعی، جامعه‌ای و جامعتی جدی‌تر از آن است که در غیاب نمایندگان خانواده‌ها، به ویژه مادران و نمایندگان اقوام، فقط توسط تعدادی از کارشناسان مرکز نشین، انجام گیرد.

در بررسی کتاب‌های درسی جغرافیا، تاریخ و تعلیمات اجتماعی در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی (در مجموع ۸ جلد) کوشیده‌ایم تا نحوه و فراوانی انعکاس هویت‌های جنسیتی دختران و پسران ایرانی را به عنوان سرمایه‌ی جامعتی مورد بررسی قرار دهیم تا دریابیم نویسندگان کتاب‌های درسی چگونه افراد وابسته به اقشار زنان و مردان ایرانی را به عنوان بستری از تجلیات تربیتی، برای درک و تنفیذ هویت‌های جنسیتی از سویی و مفاهمه، وفاق جنسیتی و ملی از سوی دیگر، متبلور ساخته‌اند.

به واسطه‌ی تنوع و تکثر نقش‌های جنسیتی و پراکندگی آن‌ها بر گسترده‌ی ما لازم است که دختران و پسران از کودکی دریابند که هویت جنسیتی - فرهنگی او در کتاب‌های درسی حی و حاضر است تا خود را ضمن متفاوت

دانستن در کنار «دیگران» و با دیگران، عام و یگانه پندارند و از خاص بودن پرهیز کنند. اگر بنا باشد دانش‌آموز دختر یا پسر تعاریف گروه، قوم و ملت را بدون حس و لمس حضور خود بخواند و به طور انتزاعی به ذهن خود بسپارد، هیچ وقت احساس تعلق عاطفی خود را نمی‌تواند به «دیگران» تعمیم بخشد و به «ما»ی نادیده و ناشنیده اعتلا دهد. تبعیض جنسیتی نسبت به زنان و دختران به طور کل و نسبت به دختران اقوام به ویژه، چنان زیاد است که دختران از خردسالی به نامریی بودن «خود»، یا کم مریی بودن معدودی از دختران شهری خو می‌گیرند و از تعمیم «من» به «ما»ی عام خرده فرهنگ‌های بومی - ملی باز می‌مانند؛ خود را خوار، محقر، مطرود و منزوی تصور می‌کنند.

در آغاز نخستین سال انقلاب، در جریان بازسازی کتاب‌های درسی در سال ۱۳۵۸، کتاب تعلیمات مدنی کلاس‌های چهارم ابتدایی تألیف شد. این نوشته در سال ۱۳۵۹، یعنی در دومین سال تحصیلی بعد از انقلاب، در اختیار دانش‌آموزان کلاس چهارم ابتدایی قرار گرفت. چنان که در تصویر پیوست مشهود است، اولاً تقسیم نقش‌ها برحسب جنس با تصویر نمادین نیم رخ دختر شده بود که عکس‌های زن و مرد ایرانی را در مطلب مربوط به جنسیت، و قومیت زنان و مردان اقوام را در نقشه مربوط به قوم‌شناسی ایران پراکنده سازند، ولی چنین نشد. همچنین پیشنهاد شده بود که پرچم ایران را در روی نقشه ایران زنان و مردان با اقوام ایرانی با هم بلند کنند. (تصویر شماره ۳).

با حضور اندک زنان در کتاب‌های درسی، هستی عینی و عملی زن را در شرق، غرب، شمال و جنوب ایران نمی‌توان انکار کرد. کم‌ترین نتیجه‌ی این سهل‌انگاری، این است که دختر بچه‌ها گمان برند که فقط مردان جزو ملت ایران هستند و اگر بخواهند آنان نیز عضوی از ملت به شمار آیند، باید به کسوت مردان در آیند!

تصویر شماره ۱



تصویر شماره ۲



«چهره‌های مردم نقاط مختلف ایران»

فقدان چهره زنانه در میان «مردم»

تصویر شماره ۳



تبعیضات فرهنگی نتیجه‌ی تفاوت‌های بیولوژیکی نیستند.

به شهادت تاریخ، در بیشتر جوامع متمدن کنونی، تفاوت‌های جنسیتی عوارض عدیده‌ای مانند، موقعیت کهنتری زن، نابرابری اقتصادی و اجتماعی، تعمیم ضعف زور عضلانی به «استضعاف»، «استصغار»، استحقار روانی - هوشی ایجاد کرده است. همچنین تقلیل سرمایه اجتماعی شبکه‌ی خویشاوندی، جامعوی مدنی و جامعتی ایرانی او را سبب ساز شده است.

انقلاب صنعتی، شهرنشینی، ابداعات و اختراعات برخاسته از شهرنشینان (بورژوازی)، انقلاب‌های سیاسی دو قرن اخیر را به همراه آورد و پیرو آن، نخست دهقانان، سپس زنان و بعد کودکان، از زمین کنده شده به نیروی مولد مبتنی بر ذهن، بازو و دست انفرادی پیوستند و حقوق و هویت فردی^۱ مستقل اقتصادی و جامعوی یافته‌اند. جنبش‌های شهری نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم از یک سوی، تعمیم تدریجی آموزش و پرورش و سرانجام جنگ‌های آغازین

1- Individualism

قرن بیستم از سوی دیگر، نه تنها درهای نسبتاً بسته‌ی بازارکار جهان غرب را به روی زنان گشود، بلکه اهمیت سیاسی هویت مدنی (کشوروندی، با سرمایه‌ی جماعتی) آنان را در دستور کار قرن بیستم قرار داد.

توسعه‌ی رسانه‌ها و احزاب در کشورهای صنعتی غرب و اتکای ظاهری یا قلبی قدرت‌های حاکمه به رأی انفرادی ملت، برابری زنان و مردان در مقابل قانون و کاهش نرخ باروری به تدریج تصور «استضعاف»، استصغار و استحقار زن را به عنوان «جنس دوم»، با سرمایه‌ی جامعوی اندک، تضعیف کرده است و همچنین ورود آنان را به سپهر عمومی، همراه با اعتلای سرمایه‌ی جامعوی و فرهنگی‌ست تسهیل نموده است (رز، ۱۹۶۷). در چنین گذار صعب و سختی، بسیاری از دانشوران مرد و زن، با تحقیقات میدانی در حوزه‌های روان‌شناسی اجتماعی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روانکاوی، ثابت کردند که تفاوت‌های بیولوژیک دخالتی در کهتری زن و مهتری مرد ندارد و نابرابری‌های طبیعی الزاماً نابرابری‌های جامعوی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی را به بار نمی‌آورند؛ بلکه به طور عمده نقش کمرنگ زنان در تملک ابزار تولید و عدم حضور فعال و مشارکت جدی آنان در چرخه‌ی اقتصادی و امور عمومی جامعه است که فرهنگ کهتری و مهتری را ایجاد و متداوم کرده است. (ریتر، ۱۹۸۸، دوبرار، ۱۳۸۲).

با آغاز قرن بیست و یکم، بسیاری از میراث فرهنگی‌های قرون گذشته، نابرابری‌های نژادی مبتنی بر رنگ پوست و اشرافیت برخاسته از خون در بستر تاریخ قرن بیستم دفن شده‌اند. ابزاری شدن زندگی در خانواده و رشد رسانه‌های جمعی و انقلاب اطلاعاتی مکان، زمان و در نتیجه جهان را کوچک گردانید و زنان را در فرهنگ مردانه بیش‌تر غوطه‌ور ساخت و سریع‌تر تأثیر تفاوت جنسی در شأن و منزلت جنسیتی - فرهنگی افراد و اقوام پیشرو رنگ باخت.

در قرن بیست و یکم، اعتلا و ارتقای زنان و مردان به حد هویت کشوروندی (هویت ملی، جامعی) و جهانوندی (هویت جهانی) میسر شده است. در زمان سعدی، سخن نغز او در مورد

«بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار» اثر اندکی داشت. امروزه، از برکت اعجاز اطلاعات شتابان و اتصال بی‌درنگ اذهان، اقوال و افکار به هم، سرنوشت افراد، اعم از زن و مرد، سیاه و سفید و خرد و بزرگ - اقوام و ملل چنان به هم تنیده‌اند که شاید بتوان گفت که از پیوند اندام یک «پیکر» نیز نزدیک‌تر هستند. امروزه ارتعاشات امواج رسانه‌ها به سرعت در اذهان کشوروندان و جهانوندان، فارغ از جنسیت‌شان، تأثیر می‌گذارند و آن را برای بقا و پویایی به تحرک فزون‌تری ترغیب می‌کنند.

هر نگرنده‌ی کاوشگری به نیکی می‌داند که «به ارتعاش در آوردن امواج رسانه‌ها» ورود به «سایت»ها و فضای مجازی در شبکه‌های جهانی، در گرو دانش کافی در کاربری رایانه‌ها از سویی و تسلط به یک یا دو زبان خارجی از سوی دیگر است. اگر کاربران رایانه‌ها نخواهند از حد «جت کردن» (گفتگو - محیط مجازی) ساده‌ی دوستانه و فراتر روند، باید از دانش و بینش برتری برخوردار باشند. به معنای دگر، آگاهی بیش‌تر دانش فزون‌تری را می‌طلبد و با دانش فراوان‌تر «کالا»ی گزیده‌تر و بهتری نصیب کاربران می‌شود.

جهان کنونی ما جهان دانشوند یا به قولی دانایی محور است و آموزش و پرورش رسمی کانون اصلی آماده‌سازی برای درک، فهم و کاربرد درست دانش فارغ از جنسیت^۱ است. انتظار می‌رود که انواع هویت‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی منعکس باشند تا کودکان از خردسالی تصویر و تصویری از

1- Gender Free knowledge

آن‌ها را در ذهن خود داشته باشند و بتوانند در جلد و جامعه‌ی آن‌ها قرار گیرند. با این پیش فرض باید دانست که نوجوانان امروزی که در دهه‌های آینده‌ی هزاره‌ی دوم میلادی در این کشور کار و زندگی خواهند کرد، با چه توشه‌ای از علوم اجتماعی و با چه درکی از جنسیت، برای همدلی و مشارکت اجتماعی خویشاوندی، جامعه‌ی مدنی و جامعه‌ی ایران شمول آماده می‌شوند؟

با توجه به تازگی نسبی مقوله و سوء تعبیر نهایی که در درون مایه‌ی برخی از اصطلاحات و جامعه‌شناسی نظیر هویت، اجتماع، جامعه، سرمایه‌های اجتماعی، جامعه‌ی و جامعه‌ی... وجود دارد تعریف جامعه‌ی از واژه‌های مورد استفاده در این مقاله ارائه می‌دهیم.

هویت^۱: مجموعه‌ای از علائم و نشانه‌های ظاهری و باطنی هستند که امکان شناسایی فردی از فرد دیگر، گروهی از گروه دیگر... و ملتی از ملت دیگر را میسر می‌سازند.

اجتماع^۲: مجموعه‌ای از زنان و مردانی که دارای اشتراک‌های خونی، خوبی، خاکی، حرفه‌ای، فرهنگی، حقوقی و منافع هستند، نظیر شبکه‌ی خویشاوندی، خانواده، ایل و قبیله‌ی محدود، زندانیان، کارگران یک کارخانه، سربازان یک پادگان... .

جامعه^۳: مجموعه‌ای از زنان و مردانی که اشتراک‌هایی در خون، خوی، خاک، فرهنگ، حقوق و منافع و اهداف دارند و بیشتر با هم تفاوت دارند تا تشابه و به علت تقسیم کار دارای نهادهای عیدیه‌ای مانند شهرهای پرجمعیت هستند.

-
- 1- Identity
 - 2- Community
 - 3- Society

جامعه‌ی^۱: به واسطه‌ی نبود صفتی از جامعه اصطلاح «جامعه‌ی» را که ادغام «جامعه‌ای» است برای تبیین ویژگی‌های جامعه استفاده کرده‌ایم.

جامعه‌ی^۲: معادل انگلیسی این اصطلاح در زبان جامعه‌شناسی غرب نیز تازگی دارد و از عمر «جعل» آن اندکی بیش از ۳۰ سال می‌گذرد و آن معادل «ملت»^۳ در زبان علم سیاست است که ویژگی‌های جمعی کلان را در برمی‌گیرد.

سرمایه‌ی اجتماعی^۴: مجموعه‌ی شأن، اعتبار، اعتماد و روابطی است که شخص به خاطر شبکه‌ی خویشاوندی و منزلت تبار خانوادگی و شخصیتی دارا است. این سرمایه محلی و محله‌ای است و دوام بیش‌تری دارد.

سرمایه‌ی جامعه‌ی^۵: مجموعه‌ی شأن، اعتبار، اعتماد و مقبولیتی است که شخص به علت کنش، مقامات و منزلت اختصاصی خود داراست و معمولاً از ظواهر، گفتار، کردار و محل سکونت، مهارت و تخصص و تملک شخص برمی‌خیزد. این سرمایه برحسب زمان و مکان و موقعیت‌ها می‌تواند کاهش یا افزایش یابد.

سرمایه‌ی جامعه‌ی^۶: مجموعه‌ی ارزش و اعتبار، اعتماد جمعی (جنسی، نژادی، قومی - دینی) است که افراد نسبت به یک جنس، قوم، فرهنگ، دین و کشور قائل هستند، مثلاً ارزش زن در جامعه‌ی شرقی در قیاس با ارزش مرد یا ارزش و اعتباری که افراد نسبت به یک کلیمی، زرتشتی، مسیحی و مسلمان دارا هستند و پیشاپیش ایستار خاص و قالبی نسبت بدان‌ها دارند.

-
- 1- Social
 - 2- Societal
 - 3- National
 - 4- Communal capital
 - 5- Social Capital
 - 6- Societal Capital

این تقسیم‌بندی سه‌گانه شامل هویت‌ها نیز می‌شود، بدین معنا هویت می‌تواند اجتماعی دهشی^۱، جامعی^۲ یا جامعی نیز باشد. در این مقاله تأکید متون کتاب‌های مورد بررسی بیش‌تر روی انعکاس هویت‌های جنسیتی در بعد جامعی^۳ است.

جنسیت^۴: این اصطلاح بیانگر تفاوت‌های جامعی بین زن و مرد است.

طرح مسأله جنسیتی در جامعه‌شناسی

در نیمه‌ی نخست قرن بیستم، به هنگامی که مکتب فمینیسم تکوین می‌یافت، صاحب‌نظران انگلیسی زبان این مکتب دریافتند که واژه‌ی «Sex» مربوط به تفاوت بیولوژیک زن و مرد، برای بیان تفاوت‌های فرهنگی و تبعات جامعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی آن کافی نیست؛ به همین سبب از دستور زبان فرانسه اصطلاح Genre را به صورت «Gender» که معمولاً برای تعیین جنس مؤنث و مذکر بودن اسامی کاربرد دارد، به عاریت گرفتند تا از طریق آن ابعاد نابرابری، سلطه‌گری و سلطه‌بری و مالک و مملوکی، مهتری و کهتری رایج بین دو جنس را بیان کنند. به رغم این که ریشه‌ی این کلمه در قیاس با «Sex» به معنای «جنس» از هم متفاوت است ولی در برگردان فارسی ما از همان «جنس» ترکیب «جنسیت» را در برابر معنای «Gender» به کار بردیم تا تفاوت‌ها و تعارض‌های فرهنگی زنان و مردان را تبیین کنیم.

در عصر کلاسیک، پیشگامان جامعه‌شناسی به تفاوت‌های جنسیت کم‌تر پرداخته‌اند و اگر هم به ندرت بدان پرداخته باشند (مانند مارکس و انگلس در «دولت، خانواده و مالکیت خصوصی»...) از واژگان معمولی بهره جستند و

1- Ascribed
2- Achieved
3- Societal
4- Gender

نیازی به ابداع واژه خاصی ندیدند. به همین جهت، در آثار جامعه‌شناسان نامور و فرهنگ‌های مربوط به این رشته تا دهه‌های شصت و هفتاد قرن بیستم به واژه‌ی «Gender» به معنای جامعه‌شناسی آن بر نمی‌خوریم. تقریباً با رشد نظریه‌های فمینیستی این واژه‌ی نسبتاً قدیم دستور زبان فرانسه در معنای جدید وارد جامعه‌شناسی انگلوساکسون شد و به تدریج هویت علمی - جهانی یافت.

در حدود بیست سال اخیر، به دلیل محدودیت فضای بحث درباره‌ی جایگاه و پایگاه آینده زن در ایران، و همچنین تعارضات موجود در حقوق مدنی و کیفری و بار گران میراث فرهنگی کهن مربوط به تبعیضات جنسیتی در اذهان و افکار عمومی، طرح موضوعات مربوط به چنین مقولاتی به تأخیر افتاد و از قرن بیستم به قرن بیست و یکم منتقل شد. گواه چنین تعویق و تأخیر «ویژه‌نامه آموزش دختران» در «فصلنامه تعلیم و تربیت» است. اقدام به انتشار چنین «ویژه‌نامه» ای گواه بر تحول فکری چشم‌گیر ناشی از حضور فعال زنان در حوزه‌ی عمومی، مشارکت میلیونی در دوره‌های انتخابات دهه‌های اخیر اشتغال در مقام‌های مهم دولتی و غیر دولتی است. در همین دهه، ده‌ها کتاب در مورد مقام و منزلت زن به طور کلی و به ویژه در ایران، چاپ و منتشر شده و حتی رشته‌ای به نام «مطالعات زنان» در بعضی دانشگاهها دایر گردید.

مفهوم جنسیت^۱

کلمه Genre فرانسوی چند دهه است که از طریق کشورهای انگلوساکسون به صورت Gender وارد زبان جامعه‌شناسی شده است. منظور از آن بیان تفاوت جامعه‌ی بین دو جنس زن و مرد است. و در مقایسه با «Sex» به معنای

1- Gender

«جنس» این مزیت را دارد که تفاوت‌های جامعه‌ی را از تفاوت‌های بیولوژیک متمایز ساخته است.

از دیدگاه سنتی، نقش‌های جنسیتی «نتیجه تقسیم کار طبیعی است که بنا به بچه‌زایی و بچه‌پروری، امر خانه‌داری به زنان واگذار می‌شود. از دیدگاه جامعه‌شناسی فمینیست، تقسیم کار جنسیتی هیچ رابطه‌ای با تفاوت بیولوژیک ندارد؛ بلکه این جامعه است که آن را ساخته و پرداخته و دوام داده است. مباحث مربوط به تقسیم کار جنسیتی، سهم زنان و مردان از قدرت، منابع موجود و نمادهای مربوط به این دو جنس در کانون تئوری‌های فمینیستی قرار دارند. در همین راستا، تئوری‌های جامعه‌شناسیک فمینیستی به مسائلی نظیر حوزه‌ی عمومی و حوزه‌ی خصوصی که بیشتر ناشی از نظریه‌های ساختی - کارکردی است با شک و تردید می‌نگریست و «جنسیت» را، همانند طبقه، دستاورد جامعه می‌انگاشت. بنا به نظر این مکتب، جامعه است که جایگاه خانواده، کار و مدرسه را در سپهرهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تعیین و تعریف می‌کند (فرهنگ جامعه‌شناسی، لاروس^۱ ۱۹۹۳).

جنسیت: اگر جنس شخص را بیولوژی تعیین می‌کند، جنسیت او به طور فرهنگی از طریق کارکردها و القائات جامعه تکون می‌یابد. با توجه به این که در جهان هستی دو جنس زن و مرد وجود دارند و با توجه به این که زن و مرد در جوامع خاصی زندگی می‌کنند و سخت تحت تأثیر فرهنگ جوامع خود قرار می‌گیرند، می‌توان انتظار داشت که دو جنسیت نیز وجود داشته باشد. مسائل تئوریک و سیاسی حاکی از این هستند که اگر جنسیت محصول جامعه باشد بیولوژی نیز در تکوین دارای سهم است. برای مثال، در قرن نوزدهم تئوری‌های متعددی مدعی بودند که شخصیت زن توسط آناتومی و نقش

1- Dictionnaire de Sociologie, Larousse

زیایی او تعیین می‌شود. این نظریه توسط جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان فمینیست مورد چالش قرار گرفت. مطالعات مردم‌شناسیک گارفینکل^۱ ثابت کرد که جنسیت، نقش جنسوند و جذبه جنسی نیز فرهنگ‌گوند (فرهنگ محور) هستند. برای نمونه مارگاریت مید نشان داد که در فرهنگ‌های متعددی تفاوت‌های جنسیتی خیلی متنوع هستند و کارهای زنانه و مردانه الزاماً برحسب جوامع یکسان نیستند. در میان جوامع گوناگون بین نقش‌های جامعی و بیولوژیکی جنسی ارتباطی وجود ندارد. روان‌شناسان جامعی هویت جنسیتی را محصول بچه‌پروری می‌دانند و نه ناشی از بیولوژی. پیروان مکتب «اتنومتدلوژی» جنسیت را منوط به نحوه‌ی القا و تفویض جنسیت به فرد می‌انگارند.

از نظر منتقدان رادیکال، پایگاه زن در تولید اقتصادی تعیین‌کننده‌ی تفاوت‌های جنسیتی زن از مرد است. در این راستا می‌توان گفت که «جنسیت» شباهت زیادی به مقولاتی نظیر روابط طبقاتی، طبقه و پدرسالاری دارد. نظریه‌های جامعه‌شناسیک مربوط به بیولوژیک، جنسیت، نقش‌های جنسوند و شخصیت به باورهای غلط در مورد چنین مسائلی پایان بخشیده است؛ از جمله فمینیست‌ها به اندیشه‌های فرویدی در مورد عقده‌ی ادیپی خط بطلان کشیدند. فرهنگ جامعه‌شناسی، پنگوئن ۲، ۱۹۹۴

روش بررسی

کتاب‌های «تعلیمات اجتماعی» کلاس‌های چهارم و پنجم ابتدایی شامل جغرافیا، تاریخ، و تعلیمات مدنی و همچنین کتاب‌های «تعلیمات اجتماعی»

1- Garfinkel

2- Dictionary of Sociology, The Penguin

کلاس‌های اول، دوم و سوم دوره‌ی راهنمایی تحصیلی را در پیگشت «هویت جنسیتی دختران» مورد بررسی قرار گرفت.

در این بررسی مشاهده شد که موضوع فوق به طور «آشکار^۱» در بخش‌های جغرافیا، تاریخی و تعلیمات مدنی دوره‌های ابتدایی و راهنمایی مطرح نشده، بلکه به طور پنهان^۲ یا برنامه‌ی نهانی^۳ به صورت شخصیت‌های زنانه و مردانه، به شیوه‌ی غیر صریح انعکاس یافته است. منظور از «غیر صریح» این است که در متن نوشتاری ارجاع صریحی به هویت جنسیتی «دخترانه» یا «پسرانه» نشده است، بلکه اغلب با درج عکس زنان و مردان در حال کار به هویت جنسیتی اجتماعی، جامعی یا جامعیتی آنان اشاره شده است.

قصد از نگرش تطبیقی تعیین فراوانی نوع هویت‌های سه‌گانه جنسیتی زنانه یا دخترانه در مقایسه با نوع هویت‌های سه‌گانه مربوط به مردان یا پسران از سویی و مقایسه‌ی کتاب‌های یک سال با هم است. کتاب‌های دوره‌های مذکور در مدت ربع قرن اخیر مورد بازبینی و تغییر قرار گرفته است و در دهه‌ی هشتاد نیز از متن نوشتاری ثابت مانده حداقل معدودی از تصاویر، به خصوص در زمینه‌ی جنسیتی، دگرگون شده‌اند. در این راستا، در نبود اشارات صریح^۴ نوشتاری به شمارش فراوانی تصاویر مربوط به نقش زنان و مردان با توجه به انبوهی آنان در هر تصویر پرداخته شد.

در پیشگفت نحوه‌ی تدوین کتاب‌ها ابتدا از نحوه‌ی تعیین اهداف، روش و گزینش عناوین برحسب هر درسی اطلاعاتی به دست آوردیم.

-
- 1- Manifest
 - 2- Latent
 - 3- Hidden Programme
 - 4- Explicit

در آغاز کار، قصد بر این بود که متون کتاب را با اهداف و روش‌های از پیش پرداخته شده کمیته‌های مسؤول تدوین کتاب‌ها مقایسه کنیم. ولی در عمل دریافتیم که اغلب اوقات، در کتاب‌های ابتدایی و دوره‌ی راهنمایی به تصحیح و بازسازی می‌پردازند تا تدوین کتاب جدید. اگر کمیته‌ای هم باشد و اهدافی را تعیین کند بیش‌تر مربوط به «رتوش»^۱ کتاب‌های موجود و افزایش تعداد عکس، یا جایگزینی آن‌هاست که در کتاب‌های تاریخ، جغرافیا و تعلیمات اجتماعی، به ویژه تعلیمات اجتماعی سال اول راهنمایی مشاهده می‌شود.

بازتاب انواع هویت‌های جنسیتی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی

منظور از «هویت جنسیتی» عبارت است از مجموعه نقش‌هایی که کنشگران اجتماعی یا جامعه‌ی در کتاب‌های درسی عهده‌دار شده‌اند. این نقش‌ها ممکن است به گونه‌ی صریح^۲ با نام و نشان جنسیتی در متن نوشتاری انعکاس یابد؛ مانند «فاطمه دانش‌آموز کلاس پنجم است». یا به طور غیر صریح و غیر نوشتاری در عکس‌های ضمیمه‌ی متن درس خودنمایی کنند؛ مانند «زن کارگر، زن قشقای، چایکاران گیلان یا دانش‌آموزان یک کلاس».

اصولاً در کتاب‌های مورد مطالعه، هویت فردی معین و مشخصی، اعم از دختر و پسر یا مرد و زن وجود ندارد؛ مگر برای معدودی از رهبران سیاسی یا قهرمانان ملی، تنها موردی که یک نام زنانه ذکر شده است در مورد مسجد گوهرشاد در مشهد است که در کتاب تاریخ کلاس پنجم صفحه ۱۰۸، به صراحت درباره آن توضیح داده شده است. نکته جالب این که ارجاع بنای دینی و تاریخی به یک زن در عصر اسلامی بسیار نادر است و از این نواذر هم

1- Retouche

2- Expticit, Manifest

گوهرشاد، همسر شاهرخ (پسر تیمور) به خاطر بنای مسجدی نامش پایدار مانده است.

در نبود هویت فردی مشخص اگر نقش شغلی باشد آن را هویت جمعی «جامعوی» تلقی می‌کنیم و اگر ارجاع هویت به یک قوم یا کشوری باشد آن را «جامعتی» و در مواردی که اشاره به خانواده، ایل و عشیره‌ی اندک شمار باشد، آن را «اجتماعی» می‌دانیم.

کتاب تعلیمات اجتماعی کلاس چهارم ابتدایی، سال ۱۳۵۹ (دومین سال انقلاب)

جغرافیا

هویت‌های کنشگران جامعوی یا اجتماعی ارائه شده در بخش جغرافیا به طور عمده کشاورز و کارگر هستند. زنان چایکار، کارگر و مسافر در ۵ فقره عکس حضور دارند و تعداد نفرات آنان تقریباً به ۱۲ نفر می‌رسد؛ در صورتی که تعداد عکس‌های مربوط به مردان ۱۱ فقره و جمع کارگران، مسافران راه‌آهن و جمعیت مردانه ۱۴ نفر، به اضافه ۳ گروه مردانه است.

تاریخ

در بخش تاریخ، بحث در مورد پیدایش تمدن، اسرای سنگ‌تراش مصر قدیم، کوچ آریایی‌ها و پیدایش سلسله‌های هخامنشی، اشکانی و وقوع جنگ‌های ایران و روم است. با توجه به این که تاریخ اکثر کشورهای آن عصر «تاریخ مذکر» است، نمی‌توان توقع داشت که نام زنان در این عصر برده شود. هویت‌های مردانه ارائه شده بیش‌تر جنگی، خریدار و فروشنده و اسپر را در برمی‌گیرند که ۱۱ عکس گروهی و فردی را شامل می‌شود.

تعلیمات مدنی

مروری بر کتاب تعلیمات مدنی کلاس چهارم ۱۳۵۹ حاکی است که هویت‌های جنسیتی (فرهنگی) ارائه شده به طور عمده دانش‌آموز، زنان چایکار، شالیکار، خریدار و فروشنده در بازار شهری هستند. عکس‌ها در مورد زنان از دور و از پشت سر گرفته شده و تقریباً صورت جنسی آنان پیدا نیست؛ در صورتی که در مورد مردان چنین وضعی صدق نمی‌کند. زنان کارگر و زارع و دختران دانش‌آموز، به علاوه‌ی زنان اجتماع عشیره‌ای در ۵ عکس کوچک و متوسط نمایش داده شده‌اند که تعداد آنان در مجموع به ۹ نفر می‌رسد؛ در صورتی که تعداد عکس‌های مربوط به مردان با هویت‌های جامعه‌ی ۹ عکس، با تعداد ۳۷ نفر قابل شمارش و سه عکس دسته‌جمعی است. به معنای دیگر، در برابر ۵ عکس زنانه، ۹ عکس مردانه و در قبال ۹ نفر زن، ۳۷ نفر مرد، به اضافه سه مورد دسته‌جمعی مردانه قرار گرفته‌اند. بدین‌سان، از نظر فراوانی مردان بیش از ۴ برابر زنان و دختران در کتاب تعلیمات مدنی کلاس چهارم ابتدایی در سال ۱۳۵۹ حضور دارند.

کتاب تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان

جغرافیا

درس دوم کتاب جغرافیا با بحث «جمعیت ایران» آغاز می‌شود. در پایین مبحث عکس یک دبیرستان دخترانه است که به طور منظم در صف‌های متعدد ایستاده‌اند و در برابر آنان بانویی از مسؤولان سخن می‌گوید. هیچ‌گونه اشاره‌ای به سمت گوینده نشده است، ولی خواننده می‌تواند حدس بزند که یا خانم مدیر است و یا خانم ناظم. در واقع این استنباط «غیر صریح» و به «فراست» دریافتن است. اصولاً رابطه‌ی صریحی بین عکس‌ها و متن نوشتاری در درس‌ها وجود ندارد.

در سراسر کتاب عنوان «شما» به جای نام یا ضمیر «ما» به کار رفته است. در صفحه‌ی مقابل، نمودارهای رشد جمعیت را نشان داده‌اند که نماد هر آدمک معادل با یک میلیون نفر است که این آدمک‌ها به مناسبت‌های متفاوت در سراسر کتاب تکرار می‌شوند.

همانند کتاب چهارم، در این کتاب نیز اکثر نقش‌های جنسیتی کارگری، کشاورزی، راننده و بازاری هستند. به خاطر معرفی کشورهای همسایه‌ی ایران اغلب هویت‌ها جنبه‌ی جامعه‌ی یا قومی - ملی دارند؛ مانند ترکمن‌ها، افغان‌ها، آذری‌ها، ارمنی‌ها و ترک‌ها. یک نگرش کوتاه نشان می‌دهد که تا چه حد تعداد عکس‌های مربوط به زنان در مقایسه با مردان اندک است. زنان، بدون احتساب عکس‌های گروهی در ۱۳ تصویر حضور دارند؛ در صورتی که مردان در ۲۲ تصویر. تعداد زنان قابل شمارش ۱۵ نفر، ولی تعداد مردان قابل شمارش ۴۴ نفر است.

تاریخ

بحث درباره‌ی تاریخ اسلام و بسط آن به سایر بلاد و سپس ظهور نهضت‌های ضد عرب در ایران و روایت انقلاب‌های اخیر و پیدایش رهبران ملی به نقش‌های جنسیتی رنگ مردانه بخشیده است. تنها تصویری که جنبه‌ی زنانه می‌یابد اهل بیت سر و صورت پوشیده‌ی امامت در صحرای کربلا است. این نوع هویت از سویی جنبه‌ی اجتماع خانوادگی و از سوی دیگر هویت جامعه‌ی قومی - عربی دارد. در برابر یک تصویر زنانه ۱۶ تصویر مردانه، به اضافه‌ی جمعیت زیاد مردان در مسجد، قرار دارند.

تعلیمات دینی

با توجه به عنوان «مدنی» نظم، مشارکت، عبادت، تعاون، مبارزه و انقلاب موضوع‌های موردبحث در یک بخش ۲۶ صفحه‌ای است. چنین عناوینی

ایجاب می‌کند که هویت‌های جمعی جامعه‌ی کنشگران بر دیگر هویت‌های فردی یا جامعه‌ی قومی افزونی داشته باشند. از مجموع ۱۸ عکس موجود در این بخش، فقط ۶ عکس مربوط به زنان، مرکب از دانش‌آموزان دختر، زنان روستایی و زنان جوان بسیجی می‌باشد.

تعلیمات اجتماعی سال اول دوره راهنمایی تحصیلی

برخلاف سایر کتاب‌های دوره‌های ابتدایی و راهنمایی در کتاب تعلیمات اجتماعی سال اول در گزینش عکس‌ها برداشت جنسیتی آگاهانه‌ای به کار رفته و کوشش به عمل آمده است که قرینه‌های جنسیتی دخترانه و پسرانه را تا حد مقدور رعایت کنند و به همین جهت در یک کتاب ۸۶ صفحه‌ای تعداد عکس‌های دخترانه ۲۸ قطعه و پسرانه ۳۱ قطعه است. در مجموع عکس ۵۴ زن و ۸۵ مرد در کتاب دیده می‌شود.

از نظر جنسیتی برجسته، عکس زن کشاورز در حال درو با لباس محلی است. در این کتاب یک دندانپزشک زن را در جریان تقسیم کار جامعه‌ی نشان داده‌اند؛ اما این عکس چنان کوچک است که زیاد به چشم نمی‌خورد. از نکات مثبت و قرینه‌ی کتاب دسته‌های پسران کوهنورد و دختران کوهنورد است که ظاهراً آگاهانه سفارش عکس داده شده تا تعادل «هویت» جنسیتی رعایت کرده باشند. در راستای تعدیل تصویر، مادری پرستاری دختر بیمارش را در خانه عهده‌دار شده است، و در صورتی که بهتر است دختر بیمار در بیمارستان تحت مراقبت یک پرستار یا پزشک زن نشان داده می‌شد.

تعاون و همکاری خانوادگی و تقسیم کار برحسب جنس در خانواده مورد تأکید قرار گرفته است؛ ولی در ضمن دختران دانش‌آموز همان مقدار در آزمایشگاه مدرسه حضور دارند که پسران دانش‌آموز یا اعضای بسیج دانش‌آموز دختر با اعضای بسیج دانش‌آموز پسر. شرکت فعال دختران در هیأت تحریریه روزنامه دیواری و تزئین نمایشگاه در مدرسه چشمگیر است.

هویت‌های منعکس در این کتاب در سطح کلان به عنوان فرزندان خانواده، دانش‌آموز مدرسه، زارع، کارگر، پلیس، رهگذر و معلم یا پزشک ارجاع شده است.

تعلیمات اجتماعی سال دوم دوره‌ی راهنمایی تحصیلی

کتاب تعلیمات اجتماعی سال دوم راهنمایی دو چاپ مربوط به سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۳ بررسی شد و معلوم گردید عکس‌های چاپ ۱۳۸۰ با عکس‌های کتاب چاپ ۱۳۸۳ متفاوت هستند.

کتاب تعلیمات اجتماعی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی را مؤلفان ثابتی نوشته‌اند، ولی در مقایسه با کتاب اول راهنمایی، ناگهان یک چرخش «مردانه» در کتاب دوم به چشم می‌خورد؛ به طوری که در کتاب سال ۱۳۸۰ تعداد عکس‌های زنانه ۷ مورد و تعداد عکس‌های مردانه ۳۴ مورد است. تعداد زنان یا دختران منعکس در عکس‌ها ۱۷ نفر و تعداد مردان منعکس در تصاویر ۱۰۱ نفر به اضافه ۹ گروه مردانه است.

در میان انبوهی از مردان فعال در مشاغل کارگری و کارمندی، در صفحه ۲۲ عکس دختر نوه‌ای که به پدربزرگ خود سواد یاد می‌دهد جالب توجه است. بقیه‌ی زنان یا به صورت منفعل در بوستان نشسته‌اند یا رهگذر بوده‌اند، عکس مرد پرستاری که از مردی خون می‌گیرد می‌توانست زن پرستار در بالین بانویی باشد؛ اما برخلاف کتاب اول راهنمایی، ظاهراً مؤلفان اصل تعدیل هویت جنسیتی را به فراموشی سپرده‌اند.

در کتاب تعلیمات اجتماعی سال دوم راهنمایی، چاپ ۱۳۸۳، تعداد عکس‌ها به «تحلیل» رفته‌اند، به طوری که از تعداد عکس‌های مردانه ۷ عکس کاسته شده و به ۲۷ قطعه رسیده است؛ بدون این که تعداد عکس‌های زنان (۷ مورد) افزایش بیابد. همانند کتاب‌های پیشین، دختران دانش‌آموز اغلب به عنوان عضو خانواده، و دانش‌آموز کلاس در آزمایشگاه نشان داده شده‌اند. یکی

از عکس‌های نادر و بی‌بدیل این کتاب‌ها، نوهی دختر پیرمردی بود که به پدر بزرگ سواد یاد می‌داد. این عکس در کتاب چاپ ۱۳۸۳ حذف و به جای آن عکس مردان باستانی در حال مبادله کالا به کالا منعکس شده است.

تعلیمات اجتماعی سال سوم دوره‌ی راهنمایی تحصیلی

همانند کتاب‌های تعلیمات اجتماعی سال دوم راهنمایی، کتاب‌های سال سوم نیز در دو چاپ مربوط به سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۳ مورد مطابقت و مقایسه قرار گرفت. اگرچه حجم این دو کتاب تقریباً برابر، یعنی یکی ۶۸ صفحه و دیگری ۷۱ صفحه است، اما از نظر سازمان‌دهی مطالب در کتاب اخیر تغییرات زیادی به چشم می‌خورد. البته به واسطه‌ی این که موضوع مورد بحث انقلاب، دولت و مشارکت سیاسی است، برخلاف سایر کتاب‌های تعلیمات اجتماعی، زنان جایگاه بسیار اندکی در کتاب تعلیمات اجتماعی سال سوم دارند. در کتاب چاپ ۱۳۸۰ تنها در یک مورد دختران دانش‌آموز مدرسه‌ای در مسائل پرچم ایران صف بسته‌اند. همین عکس نسبتاً مهم در کتاب سال ۱۳۸۳ حذف شده است. گرچه روی جلد، عکس مجلس شورای اسلامی و نشست مجلس دانش‌آموزی... و پشت جلد، دختران رأی دهنده چاپ شده، ولی در متن هیچ‌گونه اثری از زنان دیده نمی‌شود. عکس دختران دانش‌آموز در پیشگاه پرچم (چاپ ۱۳۸۰) در کتاب چاپ ۱۳۸۳ حذف شده است.

نتیجه‌گیری

از دیدگاه فلسفه‌ی آموزش و پرورش، نظام‌های آموزشی با تعارض (پارادوکس) بنیادین روبرو هستند: از سویی آن‌ها باید فرهنگ جامعه را که طی سده‌ها تکوین یافته است، به نوجوانان انتقال دهند و از سوی دیگر، آنان را برای آینده آماده سازند. به معنای دیگر، راه آینده از گذشته می‌گذرد. زمانی که تغییرات جوامع طی سالیان درازی ایستا می‌مانند، رسالت انتقال آداب، رسوم،

ارزش‌ها و هنجارهای گذشتگان و پاسداری از فرهنگ به خوبی تحقق می‌یافت؛ اما در عصر ما، جهان به سرعت دگرگون می‌شود و ارتباطات شتابنده‌ی جهانی و جهان‌وندی انواع دریچه‌های نویی را به روی نسل‌های تازه می‌گشاید و حقوق، وظایف و چشم‌اندازهای نویی را نوید می‌دهند.

در چنین شرایطی، نظام‌های آموزشی قادر نیستند هم پاسدار متعصب فرهنگ موجود بازمانده از گذشته‌های دور باشند و هم نسل‌های نوجوان را برای آینده آماده سازند. از آن جایی که آینده نیز خیلی روشن نیست و داده‌های آن ملموس نمی‌باشد بنابراین، نمی‌توان به درستی برای آن برنامه‌ی درسی فراهم آورد - به ویژه این که طراحان برنامه‌های درسی خود بیش‌تر با گذشته تمعید یافته‌اند. در نتیجه، اکثر افکار و آرای کتاب‌های درسی از ارزش‌ها و باورهای گذشته جان و مایه می‌گیرند. چنین فراشدی در کشورهای جهان سوم که عصیت معرفتی عمیقی به گذشته دارند، نیرومندتر، پایاتر و ماناتر است.

نظام آموزش و پرورش ایران جدا از چنین فراشدی نیست؛ به ویژه در حوزه‌ی هویت جنسیتی. میراث مردانه که طی سده‌ها ستر گشته و استوار شده است، با پدیده‌های نو با صلابت و سرسختی بیش‌تری برخورد می‌کند و پدیده‌های نو و آینده‌گر را دیر می‌پذیرد و دیرتر به برنامه‌ی تربیتی تبدیل می‌کند. در پی چنین روال و روندی، حضور، انگیزش و فرصت‌های تکوین هویت جنسیتی نوین در کتاب‌های درسی اندک و با تردید و تزلزل همراه است. تأکید زیاد روی هویت جنسی دختران در خانه، در آغوش خانواده، خیلی بیش‌تر از تأیید حضور جنسیتی آنان در حوزه‌ی عمومی است. در حالی که در دهه‌های آینده دختران امروزی بانوانی خواهند بود که نه تنها چرخ زندگی خانوادگی را خواهند چرخاند، بلکه در چرخه‌ی اقتصادی، به ویژه در حوزه‌ی خدمات از جمله آموزش و پرورش، نقش فزون‌تری خواهند داشت.

در بررسی حاضر، دیده شد که تنها در کتاب تعلیمات اجتماعی سال اول راهنمایی تا حدی آگاهانه تعادلی در تکوین هویت جنسیتی دختر و پسر برقرار شده است. اما بلافاصله، همان نویسندگان در کتاب‌های دوم و سوم راهنمایی به اصل خویش بازگشته و شاید ناخواسته، به کم‌رنگ کردن هویت جنسیتی ناپروورده‌ی دختران اقدام کرده‌اند؛ غافل از این که دختران امروز مادران فردا خواهند بود - مادرانی که با نوآوری‌های فردا باید سازگار باشند و بارها وردهای جهان‌وندی و جهانی شدن انطباق یابند. اگر زمینه‌های لازم را امروز مهیا نکنیم فردا خیلی دیر است!

Archive of SID

فهرست منابع

الف) فارسی

- خلیلی‌فر، حسین (۱۳۸۳). *تعلیمات اجتماعی چهارم دبستان*، شماره ۱۸. تهران: اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- خلیلی‌فر، حسین (۱۳۸۳). *تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان*، شماره ۲۴. تهران: اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- دوبووار، سیمون (۱۳۸۲). *جنس دوم*، جلد اول، ترجمه‌ی قاسم صنعوی، تهران: انتشارات طوس
- شیخاوندی، داور و دیگران (۱۳۵۹). *تعلیمات اجتماعی چهارم دبستان*، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- ملکی، حسن و دیگران (۱۳۸۳). *تعلیمات اجتماعی، سال اول دوره‌ی راهنمایی تحصیلی*، شماره ۱۰۸، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ملکی، حسن و دیگران (۱۳۸۰). *تعلیمات اجتماعی، سال دوم دوره‌ی راهنمایی تحصیلی*، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ملکی، حسن و دیگران (۱۳۸۳). *تعلیمات اجتماعی، سال دوم دوره‌ی راهنمایی تحصیلی*، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ملکی، حسن و دیگران (۱۳۸۰). *تعلیمات اجتماعی، سال سوم دوره‌ی راهنمایی تحصیلی*، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

ملکی، حسن و دیگران (۱۳۸۳). *تعلیمات اجتماعی، سال سوم دوره‌ی راهنمایی تحصیلی*، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

(ب) انگلیسی

- Abercrombie, N. and al., (1994). *Dictionary of Sociology*. London
Dictionaries de la Sociologic (1993). Paris: Edi. Larouss.
 Ritzier, G (1988). *Sociological Theory*. N.Y.N.Y: Edi. A., Knopf.
 Rossi, Alice, (1974). *The Feminist Papers: From Adams to de Behavior*. New York: Bantam.
 Rose, Arnold, M., (1967). *Sociology, The Study of Human Relations*.
 New York: Alfred, A. Knopf publisher.

Archive of SID